

آرام آرام شبیه هم می شویم

درباره مسخ دیجیتال



قادر باستانی-تبریزی

پژوهشگر علوم ارتباطات

روزی روزگاری، فناوری آمده بود تا رنج را کم کند، فاصله‌ها را بشکند و زندگی را آسان‌تر و پرشتاب‌تر سازد، اما دیگر به‌سختی می‌توان گفت ارباب این ابزارهای هوشمندیم یا رعیت رام‌شده آنهایم. آرام‌آرام، تفاوت‌ها رنگ می‌بازند و همه شبیه هم می‌شویم، با رفتارهایی پیش‌بینی‌پذیر، واکنش‌هایی شبیه‌سازی شده و میل به دیده‌شدن‌هایی که انگار از پیش برنامه‌نویسی شده‌اند. آیا ما از فناوری بهره‌مند می‌شویم یا این فناوری است که از ما تغذیه می‌کند؟! ظاهراً که همه چیز به نفع ماست؛ تلفن هوشمند، سرگرمی را دم‌دستمان گذاشته، شبکه‌های اجتماعی ما را از تنهایی درآورده‌اند و دسترسی به هر دانشی را با چند لمس ممکن کرده‌اند. اما همین ابزارهایی که با ما مهربان‌اند، همان‌هایی‌اند که بی‌سروصدا و وقت، توجه، عاطفه و گاهی حتی خودمان را می‌بلعند، در این بده‌بستان پیچیده، ما چیزی می‌گیریم و چیزی می‌دهیم، می‌گیریم؛ لحظات سرگرمی، لذت دیده‌شدن و حس ارتباط. می‌دهیم؛ داده، محتوا، توجه، زمان و درنهایت فردیت‌مان را. در انیمیشن عروسکی «آنومالیا» ساخته چارلی کافمن، مردی در یک هتل بیدار می‌شود و درمی‌یابد که همه آدم‌ها یک صدا دارند؛ پیشخدمت، راننده تاکسی، زن سابق‌اش و حتی فرزندش. همه به یک زبان و با یک لحن حرف می‌زنند. گویی تنها کسی که هنوز فرق دارد، خودش است. او یک سخنران انگیزشی است که به شهری سفر کرده، اما هرچه بیشتر در این شهر می‌چرخد، بیشتر حس می‌کند که در جهانی گیر افتاده که همه مثل هم شده‌اند؛ با چهره‌های تکراری، صداهای واحد و جملاتی که انگار از توی یک اپلیکیشن بیرون آمده‌اند. تا اینکه در میانه این بی‌چهرگی، زنی را می‌بیند که صدایی متفاوت دارد... اما صدا زود از میان می‌رود و او دوباره تنها می‌ماند؛ با جهانی که دیگر هیچ چیزش منحصر به‌فرد نیست، ما امروز در جهانی زندگی می‌کنیم که آن تصویر ترسناک، نه در پرده سینما، بلکه روی صفحات گوشی‌مان اتفاق می‌افتد. به‌ظاهر همه با فناوری دوست شده‌ایم، اما در دل این بده‌بستان، داستان دیگری در جریان است. مالذت‌های فوری، سبک و زودگذر می‌گیریم و آنها داده‌هایی عمیق، دائمی و ارزشمند از ما می‌گیرند. ما رایگان تولید محتوا می‌کنیم و آنها با همان محتوا، کسب‌وکارشان را می‌چرخانند و میلیاردر می‌شوند. بدتر آنکه ما تولیدکننده ناآگاهییم، که خودمان مصرف‌کننده همان محتوای بی‌وقفه‌ای‌وگاه آن قدر سرگرم‌پست کردن لحظه‌ای از زندگی می‌شویم که خود زندگی از دستمان می‌لغزد. بیونگ چول هان، فیلسوف کره‌ای تبار، ما را قصه‌فروش می‌نامد و می‌گوید، ما روزی گرد آتش می‌نشستیم و برای هم قصه می‌گفتیم، اما حالا هر روز، ساعت‌ها از خودمان روایت‌هایی می‌سازیم تا دیگران آن را لایک کنند. هر چیزی را در بهترین می‌گذاریم؛ از غذایمان تا عقایدمان. و پشت این قصه‌ها، چه چیزی می‌ماند جز خستگی مزمن و میل بازگشت به سکوت، به خلوت و به خود. شاید بدترین بخش ماجرا این است که خیال می‌کنیم آزادیم؛ اما آزادی‌مان را با طیب‌خاطر، تقدیم فرم‌های قابل‌تیک‌زدن و پلتفرم‌های قابل‌اندازه‌گیری کرده‌ایم. دیگر حتی دردهای ما هم باید در دستهبندی‌های ازپیش‌تعریف‌شده جا بگیرند، تا شنیده شوند. اما چه باید کرد؟ نخست، باید بپذیریم که این‌معامله نابرابر است. ما بیش از آنچه می‌گیریم، می‌دهیم. پس باید اراده کنیم که رابطه‌مان با فناوری را بازتعریف کنیم. ابزار، اگر به‌اندازه و در جای خود استفاده شود، برکت است؛ اما اگر جای انسان را بگیرد، فاجعه است. ما انسانیم و انسان، برخلاف ماشین، توان تأمل و تصمیم‌گیری دارد. لاید می‌توانیم از ابزارها استفاده کنیم، بی‌آنکه برده‌شان شویم. می‌توانیم از شبکه‌های اجتماعی بهره بگیریم، بی‌آنکه خود را در الگوریتم‌ها گم کنیم. اینها فقط وقتی ممکن است که لحظه‌ای بایستیم، مکث کنیم و از خود بپرسیم، برای چه چیزی این همه پست می‌گذارم؟ برای که؟ و در برابرش چه می‌گیرم؟ لاید می‌شود راهی دیگر رفت. اگر کودکان هنوز خیال‌بافی می‌کنند، اگر هنوز شب‌هایی هست که بدون تلفن به خواب می‌رویم، اگر هنوز لحظاتی هست که چیزی را نه این‌بُت، که برای زیستن تجربه می‌کنیم؛ پس امیدی هست، ما می‌توانیم از این معامله نابرابر سر بلند بیاییم، اگر خود را به بهای ارزان نفروشیم. اگر قصه‌مان را خودمان بنویسیم، نه با نسخه‌ی الگوریتم‌ها. اگر به‌جای تولید محتوای قابل‌مصرف، روایت‌های واقعی بسازیم، از ترس هیامان، رؤیاهایمان و آنچه نمی‌توان در استوری‌ها جا داد، آینده، میدان انتخاب ماست که به نمایش‌گرانی ساکت و سر به‌زیر بدل شویم و آرام‌آرام تحلیل برویم، یا قصه‌گویی شویم که هنوز می‌تواند آتش کوچکی بیافروزد، درگرم‌نشینند و برای هم چیزی بگویند از زندگی، از امید، از رنج و از معنا.

۱۶

۲۴ ساعت

24 HOURS

hammihanmedia@gmail.com

@Hammihanonline

• صاحب‌امتیاز و مدیرمسئول: غلامحسین کرباسچی
• مشاوران: عباس‌عبدی و احمد زیدآبادی
• سردبیر: محمدجواد روح • معاون سردبیر: مهرداد خدیر • دبیر آنلاین: شبنم رحمتی
• دبیران گروه‌ها: فرزانه طهرانی (اقتصاد) • آرمین منتظری (دیپلماسی و بین‌الملل)
• علی ورامینی (رسانه و فرهنگ) • سمیه متقی (سیاست) • الناز محمدی (جامعه) • آرش خاموشی (عکس)
• مدیر اداری و آگهی‌ها: شاهرخ حیدری
• مدیر هنری: مهدی قربانی تبار
• هادی حیدری (طرح و کاریکاتور) • حروفچینی و ویراستاری: شهرام هادی

• تلفن روابط عمومی: ۸۸۷۴۹۳۰۰ • تحریریه: ۸۸۷۳۰۲۹۱ • آگهی‌ها: ۸۸۷۳۵۲۰۷ • نشانی: خیابان شهید بهشتی، خیابان پاکستان، کوچه دوازدهم، پلاک ۱۸
• لیتوگرافی و چاپ: هم‌میهن • تلفن چاپخانه: ۰۲۱۴۶۸۲۱۱۱۴ • توزیع: نشر گستر امروز نوین • تلفن: ۰۲۱-۶۱۹۳۳۰۰۰



عکس: AFC

کار بزرگ این زنان

بررسی نتایج درخشان تیم ملی فوتبال زنان ایران و صعودشان به جام جهانی درگفت‌وگو با مرضیه جعفری و زهرا قنبری



سپهر خرمی

گزارشگر ورزشی هم‌میهن

تیم ملی فوتبال زنان ایران بعد از یک دوره ناکامی ۳۰۰ روزه بدون برد، نه‌تنها به سمت پیروزی بازگشت بلکه با صعودی تاریخی به جام‌ملتهای آسیا، افتخار بزرگی از سوی شاگردان مرضیه جعفری کسب شد. بیش از ۱۲ مسابقه رسمی، تیم ملی زنان از پیروزی در یک مسابقه فوتبال ناکام بودند اما با تغییراتی که سرمربی جدید تیم ملی به همراه دستیارانش اتخاذ کرد، روح تازه‌ای به این تیم تزریق شد تا در کوتاه‌مدت، نتایجی رقم بخورد که حتی خوش‌بین‌ترین طرفدار فوتبال هم پیش‌بینی این اتفاقات را نداشت. در این گزارش در کنار گفت‌وگو با «مرضیه جعفری» سرمربی تیم ملی زنان و «زهرا قنبری» بازیکن و کاپیتان ارزشمند تیم ملی که در این صعود نیز نقش پررنگی داشت، اتفاقاتی که درنهایت منجر به صعود شد را بررسی کردیم.

▼ فراتر از معجزه

تا پیش از این بازی، اردن با سه برد قبلی و بدون گل خورده در صدر گروه قرار داشت، درحالی‌که ایران با دو برد و یک باخت، در رده دوم ایستاده بود. بر این اساس، حتی تساوی نیز باعث صعود میزبان می‌شد و تیم زنان ایران تنها با پیروزی می‌توانست به جام‌ملتهای آسیا صعود کند؛ اتفاقی که درنهایت رقم خورد. پیش از آغاز هر مرحله مقدماتی، حضور چهار تیم در هر مرحله نهایی قطعی بود. استرالیا به‌عنوان میزبان مستقیماً به مرحله نهایی راه یافت و در کنار آنها سه تیم برتر دوره گذشته؛ یعنی چین (قهرمان)، کره جنوبی (نایب‌قهرمان) و ژاپن (مقام سوم)، بدون نیاز به حضور در رقابت‌های انتخابی، مجوز صعود گرفتند. در میان هشت‌تیمی که از دل مرحله انتخابی به مرحله نهایی رسیدند، تیم ملی فوتبال زنان ایران یکی از شاخص‌ترین چهره‌ها بود. شاگردان مرضیه جعفری در گروه اول انتخابی با کسب سه پیروزی مقابل سنگاپور، بوتان و اردن و تنها یک شکست مقابل لبنان، عملکردی قاطع از خود به نمایش گذاشتند. باتوجه به برتری در بازی رودرو برابر اردن و مجموع ۹ امتیاز، ایران صدرنشین گروه شد و برای دومین بار در تاریخ به جام‌ملتهای آسیا رسید؛ اتفاقی تاریخی که انگیزه‌های زیادی برای آینده ایجاد کرده است.

▼ تصمیم درست فدراسیون



تیم ملی فوتبال زنان ایران بیش از یک‌سال از پیروزی در هر رقابتی عاجز بود تا اینکه فدراسیون فوتبال تصمیم گرفت مریم‌آزمون را برکنار و **مرضیه جعفری**، را به‌عنوان مربی باتجربه معرفی کند. جعفری که با کسب ۱۱ قهرمانی در ۱۷ دوره رقابت‌های لیگ برتر فوتبال زنان، رکورددار کسب عنوان قهرمانی در فوتبال باشگاهی زنان محسوب می‌شود، در هیچ دوره‌ای در نقش سرمربی به او در تیم ملی اعتماد نشده بود. با این وجود، تصمیم متفاوت مدیران فدراسیون، با واکنش‌های مثبت در بدنه فوتبال زنان همراه شد. جعفری سرانجام سرمربی تیم ملی زنان ایران شد تا فلسفه مربیگری خود را این‌بار در قامت ملی پیاده کند. کمتر کسی تصور می‌کرد در این مدت کوتاه، از اردیبهشت‌ماه تا تیرماه، تغییر محسوسی ایجاد شود اما این مهم از مرضیه جعفری برمی‌آمد. او در گفت‌وگو با «هم‌میهن» در خصوص صعود تاریخی و ارزشمند، همچنین اینکه بسیاری او را ناجی تیم ملی می‌دانند، گفت: «بچه‌ها را من ۲۱ روز در یک اردو در اختیار داشتم و بعد به‌مدت ۲۰ روز بازیکنان را در اختیار نداشتم. بچه‌ها و سایر اعضای کادر فنی و پزشکی، همگی یکدل بودیم تا برای سربلندی ایران قدم برداریم. باتوجه به داشته‌ها و امکاناتی که داشتیم، تلاش کردیم بدون هیچ بهانه‌ای پیش برویم. من به

هیچ عنوان ناجی تیم ملی نبودم، چون ما یک تیمی بودیم که در کنار هم برای موفقیت تلاش کرده بودیم. همچنین کادر قبلی نیز زحمت کشید که باید از آنها هم تشکر کرد.» مرضیه جعفری همچنین در خصوص اینکه تغییراتی را ایجاد کرد تا تیم ملی بعد از یک‌سال به سمت پیروزی برگردد، گفت: «در این زمان کم، بهای بیشتری به جوانان دادم چون اعتقادم استفاده از جوانان در کنار باتجربه‌هاست.»

▼ عبور از روزهای سخت

جنگ ۱۲ روزه می‌توانست آسیب جبران‌ناپذیری به فوتبال زنان بزند؛ چراکه اردوها و تمرینات بازیکنان به‌یک‌باره تعطیل شد و اگر آن شرایط ادامه پیدا کرده بود، طبعاً تیم ملی فوتبال زنان نمی‌توانست به این مسابقات اعزام شود یا اگر هم اعزام می‌شد، نمی‌توانست نتایج قابل‌قبولی کسب کند. هرچند همین جنگ ۱۲ روزه نیز باعث شد اردوی تیم ملی حدود ۲۰ روز به‌تعویق بیفتد و تمرینات بازیکنان با تأخیر آغاز شود.



زهرا قنبری، کاپیتان تیم ملی ایران، در گفت‌وگو با هم‌میهن می‌گوید در شرایط سختی که وجود داشت تلاش کردیم تا نتایج، درخور نام ایران باشد: «از صعودی که داشتیم بسیار خوشحالییم که شرمند مردم نشدیم. امیدوارم در استرالیا نیز نماینده شایسته‌ای باشیم و صعود ما به جام جهانی باشد. اردوی زیادی نداشتم و به‌خاطر شرایط جنگی، اردوی ما لغو شد اما مجموعه فوتبال توانست با یکدلی خاص، صعود ارزشمندی را جشن بگیرد.»

▼ چشم‌انداز بلندمدت

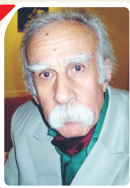
موفقیت در فوتبال ایران اصولاً مقطعی است. چه در رده باشگاهی و چه در رده ملی، وقتی تیمی به یک مرحله بالاتر می‌رود، نمی‌تواند آن را در دوره‌های بعدی تکرار کند. مرضیه جعفری درخصوص اینکه می‌توان یک برنامه میان‌مدت و بلندمدت برای زنان فوتبال ایران ترسیم کرد تا این موفقیت‌ها مقطعی نباشد، گفت: «فدراسیون فوتبال با ترسیم یک برنامه بلندمدت باعث شد تا درنهایت صعود کنیم. آقای تاج در این راستا کمک بسیار شایانی به تیم ملی زنان کرد و فشار روحی، روانی را از روی کل تیم برداشت. ریاست محترم فدراسیون فوتبال و دبیرکل هم در همین راستا تلاش می‌کنند تا با ارائه یک برنامه مدون بتوانیم درکنار موفقیت در جام‌ملتهای، در جام جهانی زنان نیز حضور پیدا کنیم.» از طرفی، زهرا قنبری نیز درخصوص رویکرد مرضیه جعفری در مدت‌زمان اندک گفت: «خانم جعفری به‌لحاظ روحی و روانی روی بچه‌ها کار کرد و این باور را به ما داد که می‌توانیم در یکی از سخت‌ترین گروه‌های ممکن، به صعود امیدوار باشیم. اگر مدیران فوتبال بتوانند امکانات قابل‌قبولی را در اختیار بچه‌ها قرار دهند و برنامه‌ریزی دقیقی داشته باشیم، می‌توانیم حتی به جام جهانی هم صعود کنیم. الان دیگر تیم ضعیفی وجود ندارد و ملاحظه کردید که هند و بنگلادش هم صعود کردند.»

با قطع شدن حضور در این رقابت‌ها، تیم ملی فوتبال زنان ایران اکنون هشت‌ماه زمان در اختیار دارد تا برای حضوری شایسته در استرالیا آماده شود. کادر فنی به به‌یبری مرضیه جعفری، باید از این فرصت به خوبی استفاده کند تا شاگردانش نه‌تنها تجربه کسب کنند بلکه در قامت یک تیم رقابتی به میدان بروند.

مرضیه جعفری می‌گوید، علاقه‌مند به سبک مربیگری پپ گواردیولا و لوئیز انریکه است، بنابراین باتوجه به این الگوبرداری، تیم ملی کاملاً بحق توانست با مالکیت توپ بالا و البته تحمیل تاکتیکی و فنی به رقیب چنین نتایج درخشانی را کسب کند. اگر فدراسیون فوتبال در ادامه بتواند خواسته‌های اردویی مرضیه جعفری را برآورده کند، صعود به جام جهانی با این کادر و بازیکن‌ها دور از دسترس نیست.

چهره

شاعر منتقد و مردمی



درباره حسین صفاری دوست می‌گویند، شاعری غریزی بود که به ندای درونش گوش می‌سپرد و آن را به زبان شعر و برای مردم بیان می‌کرد. شاگرد مهدی اخوان‌ثالث و از پیروان شعر نیما بود، دغدغه شعر فارسی داشت و از همه مهم‌تر، مردم و سربلندی‌شان را بر همه چیز ترجیح می‌داد. صفاری دوست، زاده قزوین به سال ۱۳۲۸

بود و از او ان نوجوانی پای در وادی شعر و شاعری‌شگی گذاشت. نخستین مجموعه شعرش را در ۲۶ سالگی با نام «فصلی از شکفتن» منتشر کرد و بعد از آن هم ۲۰ مجموعه شعر دیگر از او به چاپ رسید که «مهمانی سنگ‌ها»، «نهل»، «کوچه‌های بی‌عابر» و «اندیشه‌های زخمی» از جمله معروف‌ترین‌های آن هستند. صفاری دوست، شاعری منتقد بود و به‌تندی به فضای حاکم بر شعر و ادبیات کشور می‌تاخت. می‌گفت، شاعران امروزی به‌دنبال اسم و رسم و شعرهای دهان‌پرکن هستند و این عیب بزرگ، باعث دل‌زدگی مردم از شعر و رمان شده است. او تفاوت شاعران امروزی و شاعران گذشته را در عالم‌بودن‌شان به احوال مردم زمانه خود می‌دانست و خودش هم همیشه سعی می‌کرد مردم‌گرایی و محتوای اجتماعی را در آثارش نشان دهد. حسین صفاری دوست، سی‌ام تیرماه ۱۳۹۹ در ۷۱ سالگی چشم از جهان فرو بست.

کتابخانه

تأمل در باب شخصیت نویسندگان

کتاب «درباره رمان و داستان کوتاه»، یکی از معروف‌ترین آثار ویلیام سارمست موام، نویسنده انگلیسی قرن بیستم است. موام در این کتاب با نثری ساده، بیانی پُرطنز، بی‌تکلف، خودمانی و شبیه به گفتار روزمره مردم به بررسی جنبه‌های فنی و زیبایی‌شناختی ۱۰ رمان و داستان می‌پردازد و با نگاهی موشکافانه، نقاط قوت و ضعف آن‌ها را تحلیل کرده است. افزون بر این، در هر فصل از گفتار خود، ابتدا به زندگی فردی، شرایط اجتماعی، عشق‌ها، ناکامی‌ها و موفقیت‌های نویسندگان برجسته این عرصه، سپس به ارزیابی و تأمل درباره آثارشان باتوجه به ابعاد شخصی و اجتماعی‌شان می‌پردازد. کتاب «درباره رمان و داستان کوتاه»، فقط به ادبیات محدود نیست بلکه اثری قابل تأمل است که فضای زیست و زمانه نویسنده هم در آن مشهود است. این کتاب را به‌تازگی انتشارات نیلوفر با ترجمه کاوه دهگان، در ۳۴۳ صفحه و با قیمت ۳۸۵ هزار تومان به بازار آورده است.



نام کتاب:
درباره رمان
و داستان کوتاه
مترجم: کاوه دهگان
انتشارات: نیلوفر

تاریخ

قیام ۳۰ تیر



قیام ۳۰ تیرماه ۱۳۳۱، یک‌سال و چهارماه پس از به‌ثمر نشستن نهضت ملی‌شدن صنعت نفت اتفاق افتاد. شروع قیام بعد از استعفای محمد مصدق و انتخاب احمد

قوام به‌نخست‌وزیری از طرف شاه بود. آن استعفا و این انتخاب، پس از آن شکل گرفت که اختلاف شاه و مصدق بر سر وزارت جنگ به نتیجه‌ای نرسید. مصدق ۲۵ تیرماه خواهان انتقال وزارت جنگ به دولت شده بود. درخواست او با وجود سه‌ساعت گفت‌وگو، اما پذیرفته نشد و مصدق نیز استعفا را تقدیم کرد. شاه هم استعفا را پذیرفت و به احمد قوام ماموریت تشکیل کابینه را داد. مجلس نیز در نشستنی از در موافقت با قوام درآمد و بدین ترتیب او با صدور بیانیه‌ای تهدیدآمیز با عنوان «کشتی‌بان را سیاستی دیگر آمد»، نخست‌وزیری خود را اعلام کرد. چنین امری اما مخالفت‌های بسیاری از جانب نیروهای جبهه ملی و مذهبی برانگیخت. آیت‌الله کاشانی در رأس این مخالفان قرار داشت و با دعوت او، مردم در ۳۰ تیرماه ۱۳۳۱ به خیابان‌ها آمدند. در درگیری‌های این‌روز، تعدادی کشته شدند و درنهایت قوام ناچار از کناره‌گیری شد.